



جمهوری اسلامی ایران

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تحلیل تطبیقی اصول معماری اسلامی با مؤلفه‌های الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت

علی صادقی حبیب آباد

استادیار گروه مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. Alisadeghi@yu.ac.ir

چکیده

معماری اسلامی یکی از برجسته‌ترین نمادهای ملموس فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌آید که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از اصول معرفتی، ارزشی و کالبدی، نقش بسزایی در شکل‌دهی فضاهای زیستی، عبادی و اجتماعی جوامع اسلامی ایفا کرده است. در مقابل، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌عنوان چارچوبی جامع و مؤلفه‌های ماندن توحید، عدالت، معنویت، عقلانیت، علم‌محوری، هویت فرهنگی و سبک زندگی اسلامی جهت تحقق پیشرفت همه‌جانبه تمرکز دارد. این پژوهش، با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی و تطبیقی، به بررسی و تحلیل روابط مفهومی و کارکردی بین اصول معماری اسلامی و مؤلفه‌های اصلی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که اصول معماری اسلامی در ابعاد مختلف کالبدی، فضایی، اجتماعی و معنایی نه‌تنها هم‌پوشانی مفهومی قابل‌توجهی با مؤلفه‌های این الگو دارند، بلکه می‌توانند به‌عنوان ابزاری عملی برای تحقق عدالت فضایی، تقویت معنویت در جمع‌ها، ارتقای هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی و ترویج سبک زندگی اسلامی مؤثر باشند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که معماری اسلامی با فراتر رفتن از مرزهای صرفاً فرم یا گذشته تاریخی، پتانسیل تبدیل‌شدن به یکی از عناصر کلیدی تمدن‌سازی را دارا است و می‌تواند نقش بنیادی و راهبردی در فرآیند تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ایفا کند.

واژگان کلیدی: معماری اسلامی، الگوها، هویت فرهنگی، معنویت‌گرایی، جهان اسلام.

مقدمه

در چند دهه اخیر، مفهوم پیشرفت به یکی از مهم‌ترین موضوعات جوامع مدرن تبدیل‌شده است. این مفهوم دیگر نمی‌تواند صرفاً در چارچوب‌های اقتصادی و فناوری محدود شود، بلکه نیازمند بازاندیشی در زمینه‌های هویتی، فرهنگی و تمدنی است. بررسی تاریخی جوامع نشان می‌دهد که الگوهای توسعه مبتنی بر مدرنیته غربی، علی‌رغم دستاوردهای فناوریانه‌شان، اغلب با بحران‌هایی همچون تضعیف هویت فرهنگی، افزایش شکاف‌های اجتماعی، نابرابری فضایی و خالی شدن زندگی انسانی از معنا همراه بوده‌اند. در واکنش به این چالش‌ها، تأکید بر بازگشت به الگوهای بومی و تمدنی و بازتعریف پیشرفت بر اساس ارزش‌ها و زمینه‌های فرهنگی خاص هر جامعه، به شکل یک نیاز حیاتی مطرح‌شده است. ترویج الگویی پیشرفت به منظور ایجاد اجماع همگانی امری ضروری و شایسته است که از طریق گفت‌وتمان‌سازی در میان نخبگان، مردم و مدیران محقق می‌شود (Sadra, 2022). در این راستا، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به‌عنوان یک چارچوب کلان و آینده‌نگر بر اساس اصولی نظیر توحید، عدالت محوری (Bahman & Nejad, 2018)، عقلانیت و معنویت، تلاش می‌کند تعریفی متوازن از پیشرفت ارائه دهد که عناصر دنیا و آخرت، مادیات و معنویات و نیازهای فرد و جامعه را در هم بیامیزد. از نگاه این الگو، پیشرفت یک فرآیند جامع است که در ابعاد مختلفی نظیر معنویت، علم، فرهنگ، عدالت اجتماعی، سیاست، اقتصاد و سبک زندگی نمود پیدا می‌کند. تحقق این ایده مستلزم ترجمه این مؤلفه‌ها به ساختارها، نهادها و فضاهای اجتماعی واقعی است. در این میان، محیط مصنوع و فضای زیستی جامعه به‌عنوان بستری بنیادین برای تحقق ارزش‌ها و اهداف فرهنگی جایگاه برجسته‌ای پیدا می‌کند. در نگاه اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ این الگو مجموعه‌ای جامع و هماهنگ از اصول و راهبردهایی است که باهدف تعیین مسیر، جهت‌دهی به حرکت و تبیین شیوه‌های رفتار جامعه تدوین شده است. این الگو تلاش دارد تا مسیر دستیابی به تحولی تکاملی و پایدار در جامعه را فراهم کند و آن را به‌سوی تحقق اهداف بلندمدت و اصول ارزشی هدایت نماید. ازاین‌رو، نقش آن در هدایت جامعه به‌سوی یک پیشرفت همه‌جانبه و مبتنی بر آرمان‌های اسلامی و ایرانی بسیار حائز اهمیت است (Nasr Esfahani et al, 2020). امروزه معماری اسلامی بازتاب‌دهنده نگرشی ویژه به جهان هستی است که به روشنی قوه تفکر و ساختار ذهنی انسان را به تصویر می‌کشد (Nikzadh & Sinaei, 2023). معماری اسلامی نیز به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی از دیرباز مفاهیم ارزشمند اسلام را در قالب فضاها و ساختارهای کالبدی تعبیر کرده است. اصولی نظیر توحید، عدالت، ایجاد سلسله‌مراتب فضایی، مردم‌مداری، تأکید بر معنویت، پیوند میان فضای درونی و بیرونی و توجه به اقتضانات اقلیمی و فرهنگی همواره در طراحی‌ها و ساختارهای معماری اسلامی به‌صورت پایدار منجلی شده‌اند. این ویژگی‌ها باعث شده‌اند که معماری اسلامی نه‌تنها یک سبک تاریخی بلکه یک نظام اندیشه‌محور با قابلیت انعطاف‌پذیری و بازتولید در شرایط معاصر باشد. هرچند پژوهش‌های گوناگونی اصول معماری اسلامی یا مؤلفه‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را به تفکیک بررسی کرده‌اند، اما ارتباط نظام‌مند میان این دو حوزه کمتر موردتوجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مستلزم پیش‌بینی سازوکارهای عملی برای ظهور ارزش‌ها و اهداف بزرگ آن در زیست‌روزمره اجتماع است، پرداختن به چنین ارتباطاتی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل اسنادی و تطبیقی تلاش دارد تا با بررسی اصول پایه‌ای معماری اسلامی و تطبیق آن‌ها با مؤلفه‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، نقاط مشترک، روابط ساختاری و ظرفیت‌های عملیاتی این دو حوزه را مشخص کند. پرسش کلیدی آن است که معماری اسلامی چگونه و در چه سطوحی می‌تواند در تحقق اهداف و مؤلفه‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تأثیرگذار باشد؟ نتایج این مطالعه می‌تواند زمینه‌ای را برای بازنگری در نقش معماری به عنوان عنصری تمدن ساز و ابزاری مؤثر برای دستیابی به مدلی بومی، هویت‌مدار و معناگرا در پیشرفت جامعه اسلامی ایران فراهم کند.

روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو، به‌منظور دستیابی به اهداف علمی، در دسته تحقیقات بنیادی- کاربردی قرار گرفته و از منظر ماهیت، پژوهشی کیفی محسوب می‌شود. این تحقیق با بهره‌گیری از رویکردی تحلیلی و تطبیقی به اجرا درآمده است. انتخاب رویکرد کیفی برای این پژوهش، علت مشخص و منطقی دارد؛ زیرا بررسی مفاهیم پیچیده و عمیق همچون نسبت‌های مفهومی و کارکردی میان اصول معماری اسلامی و مؤلفه‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نیازمند بررسی عمیق‌تر، تحلیل معنایی و توجه به دلالت‌ها نظری در بستر فرهنگی و تمدنی اسلام و ایران است. امری که با تکنیک‌ها و روش‌هایی کمی به‌ساده‌ای قابل دستیابی نیست. گردآوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده و طی این فرآیند، منابع معتبر موردبررسی قرار گرفته‌اند. این منابع شامل متون دینی، بیانات و سخنرانی‌ها، آثار پژوهشگران متخصص درزمینه تمدن و معماری اسلامی، اسناد و مدارک مرتبط با مباحث نظری و عرصه‌های عملی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مقالات علمی- پژوهشی منتشرشده در مجلات داخلی و بین‌المللی، کتاب‌ها و رساله‌های دانشگاهی مرتبط با محورهای موردبحث در پژوهش بوده‌اند. معیارهایی نظیر اعتبار علمی منابع، ارتباط محتوایی مستقیم با موضوع تحقیق و به‌روز بودن اطلاعات نیز به‌طورجدی در انتخاب این منابع لحاظ گردیده‌اند.

فرآیند تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از دو روش اصلی تحلیل محتوای کیفی فقه‌دار و تحلیل تطبیقی انجام پذیرفته است. در نخستین گام، مفاهیم کلیدی و اصول اساسی معماری اسلامی از متون معتبر نظری استخراج گردیدند و سپس از سامان‌دهی در قالب مقوله‌های مفهومی مشخص، آماده استفاده در مراحل بعدی شدند. سپس مؤلفه‌ها و ابعاد اصلی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، براساس مبانی نظری آن و اسناد رسمی مربوطه شناسایی و در طبقه‌بندی‌های منسجم گردآوری شدند. در مرحله نهایی، تطبیق نظام‌مند این مجموعه داده‌ها انجام پذیرفت تا نقاط اشتراک یا هم‌پوشانی، ارتباطات متقابل، ویژگی‌های مکمل‌کننده و ظرفیت‌های عملیاتی معماری اسلامی در مسیر تحقق اهداف الگوی پیشرفت بررسی شوند. چارچوب تحلیلی این پژوهش بر اساس تطبیق سطوح مختلف معماری اسلامی شامل ابعاد کالبدی، فضایی، اجتماعی- فرهنگی و معنایی- نمادین با مؤلفه‌های بنیادین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت طراحی‌شده است. مؤلفه‌هایی نظیر معنویت، عدالت اجتماعی، عقلانیت، علم‌محوری، سبک زندگی اسلامی، هویت فرهنگی و تمدن‌سازی به‌عنوان محورهای اصلی الگو در این چارچوب مدنظر قرار گرفته‌اند. این طراحی چندلایه چارچوب تحلیلی علاوه بر دسترسی به عمق بیشتری از موضوع تحقیق، امکان اجتناب از ساده‌نگری را فراهم کرده و دیدگاه‌های گسترده‌تری را نسبت به نقش معماری اسلامی در فرآیند تحقق اهداف پیشرفت ارائه داده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در جامعه امروزی، وجود یک الگوی جامع و کارآمد که بتواند به شکلی هماهنگ و متعادل، پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی افراد باشد، امری ضروری و انکارناپذیر است (Alizadeh et al, 2023). چنین الگویی باید بر اساس تعالیم عمیق، غنی و رهایی‌بخش اسلام شکل گیرد تا ضمن ارائه راهکارهای عملی برای مسائل زندگی روزمره، باعث رشد و تعالی روحی و اخلاقی افراد نیز شود. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که تنها با تکیه‌بر اصول اصیل اسلامی می‌توان به ایجاد جامعه‌ای پویا، متعادل و مبتنی بر ارزش‌های انسانی دست یافت. اهمیت و ضرورت تحقیق در راستای تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، به عنوان یکی از اساسی‌ترین و جامع‌ترین راهبردهای ملی، از جایگاهی ویژه برخوردار است. این تحقق نیازمند بازتاب اصول نظری و اهداف مطرح‌شده در سطوح گوناگون ساختارها، نهادها و به‌طور خاص در محیط‌های زیستی جامعه بوده و تأثیر مستقیم آن بر سبک زندگی، هویت فرهنگی، پویایی اجتماعی و تجربه‌های معنوی افراد نمایان است. در این میان، معماری و خلق فضاهای جدید به‌عنوان یکی از ارکان اصلی شکوفایی فرهنگ و تمدن، نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. باوجوداین اهمیت بنیادین، ارتباط میان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و معماری تاکنون عمدتاً در زمینه بارش‌زایش اشکال می‌سازد. از منظر نظری، این تحقیق اهمیت تحلیل‌محور، موردبررسی قرار گرفته است. این شکاف معرفتی، نیاز به پژوهش جامع و کاربردی در این زمینه را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد. از منظر نظری، این تحقیق اهمیت قابل توجهی دارد؛ چراکه با تحلیل تطبیقی اصول معماری اسلامی و مؤلفه‌های اصلی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، به بسط و توسعه دانش نظری در هر دو حوزه کمک می‌کند. تحقیق حاضر ثابت می‌کند که معماری اسلامی نه‌تنها یک سبک تاریخی یا مجموعه‌ای از عناصری ظاهری نیست، بلکه سیستمی مبتنی بر اندیشه‌های ژرف با پتانسیل‌های تمدنی گسترده است. با شناسایی نقاط اشتراک میان مفاهیم معماری اسلامی و اهداف الگوی پیشرفت، این پژوهش زمینه‌های بازتعریف زیستی معماری را نظریه‌پرداز‌های کثان مرتبط با توسعه بومی را فراهم می‌آورد، به‌طوری‌که مسیرهای جدیدی برای تلفیق علم، هنر و مقاصد اجتماعی-فرهنگی ترسیم می‌کند. از منظر کاربردی، دستاوردهای این تحقیق می‌تواند نقش معماران، طراحان شهری، سیاست‌گذاران و مدیران را در ترکیب‌بندی دقیق‌تر اصول الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت با طراحی فضایی تقویت کند. این پژوهش با ارائه چارچوبی تحلیلی، شیوه‌های اثربخشی را برای ترجمه مؤلفه‌های بنیادی الگو به زبان ملموس معماری و طراحی محیط مصنوع پیشنهاد می‌دهد. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که تحقق عملی بسیاری از اهداف این الگو، ازجمله عدالت اجتماعی، ترویج معنویت‌گرایی، تثبیت هویت فرهنگی و تسهیل سبک زندگی اسلامی، بدون اعتنا به معماری کارآمد و فضای شهری سازمان‌یافته امکان‌پذیر نیست. بنابراین، نتایج پژوهش می‌توانند به‌عنوان راهنمایی سودمند برای تحقق پروژه‌هایی باشد که با اهداف کلان توسعه هم‌سو هستند. اهمیت اجتماعی این تحقیق نیز در تأکید بر قابلیت‌های بالقوه معماری اسلامی برای ارتقای کیفیت زیست جمعی غیرقابل‌انکار است. بازنگری اصول معماری اسلامی در چارچوب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت شایستگی امکان ایجاد فضاهایی را فراهم می‌آورد که به انسجام اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه نقشی کلیدی در دستیابی به عدالت فضایی و افزایش نشاط اجتماعی ایفا می‌نمایند. در عصری که بسیاری از فضاهای شهری با بحران هویت روبه‌رو هستند و شکاف‌های فرهنگی روزبه‌روز گسترش می‌یابند، این بازخوانی می‌تواند حس تعلق خاطر افراد را تقویت کند و محیط‌های زیستی را مکانی معنادارتر و هویت‌مدارتر سازد. درنهایت، این منظر راهبردی، نیاز به پژوهش دربرچه‌ای نو را به‌سوی تعریف معماری اسلامی به‌مثابه عنصری تمدن‌ساز می‌گشاید که نقشی محوری در تحقق اهداف الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ایفا خواهد کرد. چنین نگرشی امکان عبور از دیدگاه‌های تزئینی یا صرفاً نمادگرایانه نسبت به معماری اسلامی را فراهم کرده و آن را به سمت نگرشی کاربردی‌تر، معناگرا و آینده‌نگر هدایت می‌کند. بدین‌سان، خروجی این پژوهش می‌تواند سهم مهمی در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی ایفا نماید و چشم‌اندازی عملی برای حرکت جامعه به‌سوی توسعه‌ای پایدار و بومی ارائه دهد.

۱۷

همکاری و پیشرفت

نتایج و بحث

الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: مبانی مفهومی و نظری

الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به‌عنوان چارچوبی تمدنی و مفهومی تعریف می‌شود که هدف آن بازنگری در مفهوم پیشرفت بر پایه جهان‌بینی توحیدی، عدالت و محرومیت‌زدایی (Goldani & ghorbanpour, 2023)، انسان‌شناسی اسلامی و مقتضیات فرهنگی و تاریخی جامعه ایرانی است. این الگو پیشرفت را فراتر از رشد اقتصادی با توسعه فناوری صرف می‌بیند و آن را به‌عنوان یک فرآیند کلی، متوازن و هدفمند معنا می‌کند که تعالی مادی و معنوی فرد و جامعه را به‌صورت هم‌زمان دنبال می‌کند. چنین دیدگاهی تأکید دارد که پیشرفت بدون در نظر گرفتن معنویت، عدالت و هویت فرهنگی نه‌تنها مطلوب نیست، بلکه می‌تواند منجر به شکل‌گیری بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی شود. بر اساس چارچوب مفهومی این الگو، مبانی اصلی آن شامل هستی‌شناسی بر محور توحید، انسان‌شناسی مبتنی بر کرامت انسانی، جامعه‌شناسی عدالت‌محور، ارزش‌شناسی الهی و عقلانیت هدایت‌شده است. این مبانی نظری و علمی، زیربنایی را فراهم می‌کند که بر اساس آن ابعاد گوناگون عملی پیشرفت موردبررسی قرار گیرد و نقشی کلیدی در سیاست‌گذاری‌ها، ایجاد نهادها و تنظیم فضای زیستی مناسب برای جامعه ایفا کند.

یافته‌های این پژوهش از طریق بررسی تطبیقی بین اصول معماری اسلامی و مبانی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، با استفاده از روش تحلیل اسنادی و مقایسه مفهومی به‌دست‌آمده است. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط این دو حوزه صرفاً جنبه‌ای مفهومی یا تاریخی ندارد، بلکه شامل پیوندهای عمیق ساختاری، کارکردی و تمدنی است که می‌توانند به راهبردهای عملی در زمینه‌های معماری و شهرسازی معاصر تبدیل شوند. **مهر راستایی ساختاری معماری اسلامی با مبانی نظری الگوی پیشرفت:** مهم‌ترین یافته پژوهش حاکی از هماهنگی عمیق بین مبانی نظری الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به‌ویژه در ابعاد هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی با اصول بنیادین معماری اسلامی است. در این راستا، توحیدمحوری که قلب نظریه الگو را تشکیل می‌دهد، در معماری اسلامی به‌صورت وحدت در کثرت، انسجام در کثرت و مرکزیت عناصر معنوی بازتاب یافته است. همچنین مفهوم کرامت انسانی که جایگاه مهمی در الگوی پیشرفت دارد، از طریق توجه به مقیاس انسانی، حفظ حریم‌ها و رف نیازهای مادی و معنوی انسان در معماری اسلامی تحقق می‌یابد. این هم‌راستایی نشان می‌دهد که معماری اسلامی توانایی بازتاب مبانی نظری الگو را دارد و می‌تواند مفاهیم انتزاعی آن را در قالب فضا و کالبد بیان کند.

جایگاه معماری اسلامی در تحقق مؤلفه‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: یکی دیگر از یافته‌ها تأکید می‌کند که عملیاتی شدن بسیاری از مؤلفه‌های کلیدی الگوی پیشرفت بدون مشارکت آگاهانه معماری و طراحی فضاهای زیست انسانی ممکن نیست. مؤلفه‌هایی مانند عدالت اجتماعی، تقویت معنویت، ترویج سبک زندگی اسلامی و حفظ هویت فرهنگی ماهیتی فضایی-کالبدی دارند و تحقق آن‌ها به سامان‌دهی هوشمندانه فضای شهری وابسته است. معماری اسلامی با ارزش دادن به عدالت فضایی، محوریت یافت محله‌ها، خلق فضاهای جمعی، رعایت سلسله‌مراتب قدسی و ایجاد تعامل میان فضای داخلی و بیرونی، بستری مناسب برای تحقق این اهداف فراهم می‌آورد. بر این اساس، معماری نه‌تنها عنصری تزئینی، بلکه ابزاری استراتژیک برای پیشبرد اهداف الگو محسوب می‌شود.

تحقق چندلایه الگوی پیشرفت در معماری اسلامی: بر اساس نتایج دیگری که این پژوهش ارائه کرده، تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در حوزه معماری یک فرآیند چندبُعدی و پیچیده است که نمی‌توان آن را صرفاً به المان‌های ظاهری یا فرم کاهش داد. این تحقق در سطوح مختلف کالبدی، فضایی، اجتماعی و معنوی معنا می‌یابد.

در سطح کالبدی، استفاده هینه از منابع، هماهنگی با محیط‌زیست و پرهیز از هرگونه اسراف اهمیت دارد. در سطح فضایی، ایجاد خوانایی، نظم و توجه به سلسله‌مراتب معنایی مدنظر قرار می‌گیرد. در سطح اجتماعی، تقویت حس تعامل و ایجاد همبستگی اجتماعی برجسته است. سرانجام در سطح معنوی، فضاها باید امکان تجربه‌های قدسی و ارتقای معنوی جمع را فراهم آورند.

معماری اسلامی به‌عنوان عنصر تمدنی در الگوی پیشرفت: نتیجه نهایی پژوهش گویای آن است که معماری اسلامی فراتر از پاسخ‌گویی به نیازهای پایه عمل کرده و نقشی محوری درروند تمدن‌سازی ایفا می‌کند. این نوع معماری با ایجاد اتصال بین فرهنگ، معنا، اجتماع و کالبد از قابلیت لازم برای بازتعریف هویت ایرانی- اسلامی برخوردار است و می‌تواند بستر مناسبی برای پیدایش یک تمدن نوین اسلامی در ابعاد مختلف مکانی فراهم کند.

جدول (۱): تطبیق مبانی بنیادین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت با اصول معماری اسلامی

مبانی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت	تبیین مفهومی	بازتاب در معماری اسلامی
توحیدمحوری	یگانگی هستی و جهت‌گیری الهی تمام شئون زندگی	وحدت در کثرت، انسجام فضایی، مرکزیت فضاهای معنوی
کرامت انسانی	انسان به‌عنوان خلیفه الهی و دارای شأن وجودی	مردم‌محوری، مقیاس انسانی، احترام به حریم‌ها
عدالت اجتماعی	توزیع متوازن امکانات و فرصت‌ها	عدالت فضایی، دسترسی برابر، نفی تجمل‌گرایی افراطی
عقلانیت هدایت‌شده	عقل در چارچوب وحی و اخلاق	نظم فضایی، خوانایی، پرهیز از آشفتگی کالبدی
معناگرایی	پیوند زندگی مادی با غایبات معنوی	نمادپرزاری، نور، سلسله‌مراتب قدسی فضا

جدول (۲): تطبیق مؤلفه‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت با کارکردهای معماری اسلامی

مؤلفه‌های الگوی پیشرفت	دلالت مفهومی	دلالت‌های معماری اسلامی
معنویت‌گرایی	تعالی روحی و قرب الهی	فضاهای قدسی، نور، سکوت، تمرکز
عدالت	نفی تبعیض و نابرابری	عدالت فضایی، توازن عملکردی
علم‌محوری	رشد آگاهی و معرفت	فضاهای آموزشی، خوانایی فضایی
سبک زندگی اسلامی	زیست مبتنی بر اخلاق و تعامل	محله‌محوری، فضاهای جمعی
هویت فرهنگی	پیوستگی تاریخی و تمدنی	بوم‌گرایی، استفاده از الگوهای بومی
تمدن‌سازی	تولید ساختارهای پایدار اجتماعی	پیوستگی کالبد، فرهنگ و معنا

جدول (۳): سطوح تطبیقی تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در معماری اسلامی

سطح تحلیل	ویژگی‌ها	نقش معماری اسلامی
کالبدی	فرم، مصالح، ساختار	پرهیز از اسراف، هماهنگی با طبیعت
فضایی	سازمان فضایی و روابط	سلسله‌مراتب، مرکزیت، خوانایی
اجتماعی	تعاملات انسانی	تقویت همبستگی اجتماعی
معنایی	نمادها و مفاهیم	القای معنا و قدسیت

جهت مطالعه بیشتر به فایل اصلی مقاله مراجعه شود:

۱.۲.۳. اصول بنیادین معماری اسلامی در منظومه فکری اسلام

۲.۴. تطبیق مبانی نظری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با اصول معماری اسلامی

۴. مؤلفه‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و دلالت‌های معماری آن

۵. سطوح تحقق الگوی پیشرفت در معماری اسلامی

۶. پیشرفت به‌مثابه یک فرآیند تمدنی و دلالت‌های فضایی آن در معماری اسلامی

۷. نسبت «زمان، معنا و آینده‌نگری» در الگوی پیشرفت و معماری اسلامی

۸. عقلانیت فرهنگی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و بازتاب آن در منطق فضایی معماری اسلامی

پیشنهادها

پیشنهادهای عملی ارائه‌شده در این پژوهش بر مبنای تحلیل تطبیقی اصول معماری اسلامی و مؤلفه‌های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است که در حوزه‌های سیاست‌گذاری، طراحی، آموزش، پژوهش و مدیریت پروژه قابل پیاده‌سازی هستند. این پیشنهادها ابعدف فراهم کردن زمینه‌ها تحقق عملی اهداف الگوی پیشرفت در معماری و محیط مصنوع جمع‌آوری شده‌اند.

۱. در سطح سیاست‌گذاری، تدوین یک پیوست معماری مستقل برای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت توصیه می‌شود. این پیوست می‌تواند اصول معماری اسلامی را به‌عنوان ابزاری عملی برای تحقق مقوله‌هایی همچون عدالت، معنویت، هویت و سبک زندگی تبیین کند. بازنگری ضوابط معماری با تأکید بر اصول عدالت فضایی، مردم‌محوری و مقیاس انسانی نیز از دیگر اقدامات پیشنهادی است. همچنین، ارزیابی فرهنگی-هویتی طرح‌های کلان پیش از اجرا به‌منظور بررسی تطابق آن‌ها با اصول معماری اسلامی و مؤلفه‌های الگو ضروری است.

۲. در بعد طراحی، تأکید بر به‌کارگیری خلاقانه اصول بنیادین معماری اسلامی نظیر نظم فضایی، سلسله‌مراتب، نور و محله‌محوری به‌جای تقلید صوری از عناصر تاریخی اهمیت دارد. همچنین طراحی فضاهای عمومی مانند مساجد و مراکز آموزشی باید به نحوی باشد که تعاملات اجتماعی، روح جمعی و هویت محلی را تقویت کند. علاوه بر این، توجه ویژه به کیفیت‌های معنوی فضا مانند سکوت، نور و تناسبات در کنار عملکردگرایی نیز مورد تأکید است.

۳. از منظر آموزش و پژوهش، بازنگری محتوای آموزشی معماری به‌گونه‌ای پیشنهاد می‌گردد که ارتباط میان مبانی نظری الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و اصول معماری اسلامی تقویت شود. توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه معماری، علوم انسانی و برنامه‌ریزی شهری نیز توصیه می‌شود. افزون بر این، استخراج و مستندسازی الگوهای بومی طراحی متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی مناطق مختلف کشور می‌تواند نقشی کلیدی در تقویت هویت معماری ایفا کند.

۴. در سطح اجرا و مدیریت پروژه، معمار به‌عنوان فردی فرهنگی و تمدنی باید در فرآیندهای تصمیم‌سازی پررنگ‌تر شود. تشکیل کمیته‌های تخصصی با حضور کارشناسان حوزه معماری اسلامی-ایرانی در نهادهای اجرایی نیز می‌تواند به ارزیابی دقیق پروژه‌ها کمک کند. علاوه بر این، ارزیابی دوره‌ای میزان تحقق مؤلفه‌های الگوی پیشرفت در پروژه‌های اجراشده به‌منظور اصلاح و ارتقای آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. این مجموعه پیشنهادها می‌تواند گامی مؤثر برای هماهنگی بیشتر میان نظریه‌ها و عمل در عرصه معماری باشد و زمینه‌ای مناسب برای دستیابی به اهداف الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت فراهم کند.

منابع

- Alizadeh, M. A., Ramazani, M., hojjati, S. A., Eskandari, K., & Bahloul, N. (2023). Designing a Model of Islamic-Iranian Progress Management. Scientific Journal of Islamic Management, 31(1), 159-188.
- Asgari,A. and Azemati,S. (2024). The Relationship Between Identity Semantics and Motifs Influenced by the Islamic Worldview in Iranian Architecture. Islamic Art Studies, 21(56), 390-409. doi: 10.22034/ias.2021.228503.1235
- Bahman,S. and Jafari Nejad,M. (2018). The Comparative Study of Iranian-Islamic Model of Progress and Western Models of Progress with an Emphasis on Justice. Transcendent Policy, 5(19), 23-42.
- Goldani,M. and ghorbanpour,A. (2023). Comparative comparison of Islamic-Iranian model of progress and sustainable development. (e156324). Iranian Pattern of Progress, 10(4), e156324
- Jalali,S. H. , Tahoori,N. and Etesam,I. (2020). A comparative study of the views of Titus Burckhardt and Oleg Grabar's model in Islamic architecture. Sophia Perennis, 17(1), 85-106. doi: 10.22034/iw.2020.22802.1417
- Khamechian,A. , Azad,M. and Farschi,H. (2017). Architecture and its Training Aspects Based on Wisdom Manuscripts (With Emphasis on Iranian- Islamic Identity). Armanshahr Architecture & Urban Development, 10(19), 1-10.
- nasr esfahani,M. , Masuminia,G. A. and montazer,R. (2020). investigation and Evaluation of the Basic Islamic-Iranian Model of Progress. Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies, 7(28), 526-547. doi: 10.32598/JMSP.7.4.2
- Nikzadh, H. and Sinaei, B. (2023). Investigating the influence of Islamic architectural features on human values. Sociology of Culture and Art, 5(3), 21-33. doi: 10.22034/scart.2023.62810
- Sadeghi P, G. (2020). The position and role of Islamic architecture in Islamic civilization. The quarterly journal of the modern jurisprudence of women and family, 1(1), 52-70.
- Sadra,A. (2022). Discourse Creation and Monitoring Realization of the Islamic-Iranian Model of Development (Executive Requirements of the Model and Political Strategies). Transcendent Policy, 10(38), 79-96. doi: 10.22034/sm.2022.548333.1824
- Taheri, M. (2019). The place of architecture in the development of monotheistic thought from the perspective of jurisprudence and political philosophy. Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies, 2(1), 239-262. doi: 10.22070/nic.2019.911